مقاله انتخابى از مشتركين

آزادى زنان از ديدگاه امام خمينى(ره)

مريم ميرعالى از انديمشك

(خداوند انسان را آزاد آفريده و به او قدرت تفكر داده است تا با انديشه خويش, راه سود و زيان را بازشناسد و آن چه را كه به سود خود مى بيند, انتخاب كند. اما گاهى اتفاق مى افتد كه انسان آزادى خويش را چنان از دست مى دهد كه گويى از ابتدا همانند يك ماشين, بى اراده آفريده شده است.)1

(آزادى در اسلام, مفهومى اصيل و عميق دارد و با آزادى هايى كه امروز به صورت شعار و ادعا و هوس درآمده, به كلى متفاوت است. آزادى اسلامى, حقيقتى زيربنايى و فطرى و طبيعى و معنوى است و تا چنان آزادى اصيل تحقق نيابد, آزادى هاى روبنايى و ظاهريِ توخالى, نه تنها آزادى نيست; بلكه بردگى و بندگى و بيچارگى است. ما امروز مى توانيم آزادى ساختگى و ادعايى را به صورت دكوراسيون هاى رنگ روغنى در ميدان ها و پارك هاى عمومى و پارلمان ها و حزب هاى سياسى و… در غرب ببينيم, ولى اسلام قبل از هرچيز روح و انديشه انسان را به صورت يك قانون زيربنايى آزاد مى سازد. و براى آن كه انسان در مسير نامتناهى تكامل پيش رود, موانعى را كه در برابر پرواز آزاد او قرار مى گيرد, درهم مى كوبد.)2

شهيد مطهرى آزادى را يكى از لوازم حيات و تكامل و نيازمندى هاى موجود زنده مى داند و مى گويد:

(بشر دوران قديم, آزادى را محترم نمى شمرد, آزادى را پايمال مى كرد… چون نادان بود, آزادى ديگران را سلب مى كرد و همين كه بشر دانا شد, ديگر كافى است كه آزادى ديگران را محترم بشمارد.)3

با اين حال, بشر هنوز هم آزادى ديگران را سلب مى كند. حب جاه و مقام, قدرت طلبى, سلطه جويى و ظلم و ستم, زمينه سلب آزادى از ديگران را فراهم مى كند.

(در مورد آزادى همين سخن كافى است كه علت العلل تمام جنگ ها, تمام خون ريزى ها و تمام بدبختى ها كه در دنيا وجود دارد, اين است كه افراد بشر به آزادى ديگران احترام نمى گذارند.)4

ارمغان اسلام براى زنان

بيش از نيمى از جمعيت جهان را زنان تشكيل مى دهند كه بار بزرگ تعليم و تربيت و انسان سازى را به عهده دارند و بالطبع اهميت بسزايى در سرنوشت يك اجتماع دارند و نقش آنان در فعاليت هاى مختلف اجتماعى, سياسى و… غير قابل انكار است.

تمدن هاى گذشته و عقب افتاده تاريخ, به زنان با ديده تحقير مى نگريستند و آنان را موجب ننگ و خفت خود و جامعه مى دانستند. در طول تاريخ به زنان هميشه ظلم و ستم شده است, كه بزرگ ترين نمونه آن زنده به گور كردن دختران در عصر جاهليت بود; اما با ظهور اسلام, پايه هاى استقلال و آزادى زن در اجتماع بنا نهاده شد و افقى نو به سوى شكوفايى استعدادها و نقش آفرينى زنان در اجتماع گشوده شد. اسلام, براى زن آزادى را به ارمغان آورد. امام خمينى(ره) نقش زنان را در صحنه هاى مختلف اجتماعى, سياسى و اقتصادى گوشزد كرده و آزادى زنان را براساس پايه و اصولى لازم مى داند.5 ايشان معتقدند كه بيش ترين آزادى را اسلام به زن ها داده است و از اين لحاظ قابل مقايسه با هيچ مكتبى نيست.

(متأسفانه در غرب چنين شايعه است كه اسلام زنان را موجوداتى ناقص مى داند… كدام مكتبى مانند اسلام اين قدر به زن ارج داده است. ما بايد اين را براى جوانان غربى روشن سازيم كه اسلام با بى بندوبارى و آزادى زن به صورتى كه در غرب جريان دارد و در واقع يك نوع بردگى جديد براى زن است, مخالف است. ما به هر ترتيب كه ممكن است بايد اين انديشه را كه اسلام مخالف پيش رفت و تعالى زن است, از ذهن مردم مغرب زمين بيرون آوريم… زنان مسلمان در مشرق زمين توانسته اند ثابت كنند كه پيش رفت انديشه و فكر با عفت و پاك دامنى و تقوا سازگار است و تنها به اين وسيله است كه مى توانيم به جهان ثابت كنيم كه اسلام ارج گذار واقعى شخصيت بانوان است.)6

روشن است كه زنان و مردان داراى تفاوت هايى هستند كه موجب برخى محدوديت ها مى شود و اسلام به روشنى اين محدوديت ها را برشمرده است. امام خمينى(ره) محدود بودن برخى از آزادى هاى زنان را به مصلحت خود آنان مى داند و مى فرمايد:

(خداوند شما را با كرامت خلق كرده است, خداوند همان طورى كه قوانينى براى محدوديت مردها در حدود اين كه فساد بر آن ها راه نيابد, دارد, در زن ها هم دارد; همه براى صلاح شما است.)7

در جايى ديگر در اهميت و بزرگى زنان چنين مى فرمايد: (قرآن كريم, انسان ساز است و زن ها نيز انسان سازند… اگر زن هاى انسان ساز را از ملت ها بگيرند, ملت ها به شكست و انحطاط مبدل خواهند شد.)8

امام معتقد بود زنان بايد به تحصيل علم بپردازند و استعدادهاى خود را شكوفا كنند. زن نبايد فقط خانه دارى كند; بايد در اجتماع هم نقش آفرينى كند. امام براى آزادى زنان احترام ويژه اى قائل بودند, اما با آزادى هايى كه در غرب شايع است, مخالف بودند.

زنان و آزادى هاى وارداتى

امام خمينى(ره) معتقد بودند آزادى هايى كه در كشورهاى غربى وجود دارد و از آن تبليغ مى شود, براى فاسد كردن جوان هاى ما و انحراف آنان است. ايشان مى فرمايند:

(اين ها آزادى را همان آزادى مى دانند كه از غرب ديكته شده براى ما, نه پيش خودشان, پيش خودشان اگر اين طور بود, اين ترقّيات مادى را نمى كردند… اين ها آزادى هاى وارداتى است…. اين بى انصاف ها, اين نحو آزادى را براى ما تبليغ مى كنند و تأكيد مى كنند; آزادى[اى] كه مملكت ما را به تباهى مى كشاند.)9

(يونانيان قديم, بت زيبايى را به نام ونوس, الهه زيبايى, مى پرستيدند و امروز هم سكس در متمدن ترين نقاط دنيا به صورت معبودى بزرگ درآمده و همگى بنده شهوتند و كارناوال هاى شهوت انگيز راه مى اندازند و آن چه دارند و ندارند به عشق مى دهند, عشق جنسى, پرستش زن. امروز زن در دنياى متمدن از پايگاه مادريش سقوط كرده و آزادى معنوى و فكريش به بند هوس ها گرفتار آمده است… و جوان هاى بلهوس, آزادى و رقاء روحى و فكريشان را قربانى شهوت مى كنند.)10

امام خمينى(ره) با چنين آزادى هايى مخالف بودند, چرا كه اين نوع آزادى, يك آزادى كاذب است و تنها نام آن آزادى است; ولى در واقع نوعى بردگى است. اين نوع آزادى باعث انحطاط اخلاقى زن شده و او را از اهداف عالى خود منحرف مى كند. آزادى تا جايى مجاز است كه مخالف شرع و احكام اسلامى نباشد و به حرمت زن مسلمان و ارزش او توهين نشود, زيرا زن ارزش و مقام والايى در اسلام دارد و وقتى اين ارزش دست خوش تغيير و تحول شود و از اين مقام الهى كاسته شود, جامعه را رو به نيستى و تباهى مى كشاند.

ييكى از بزرگ ترين اهداف حكومت جمهورى اسلامى ايران كه در سال هاى ابتدايى تأسيس آن هم بيان شد, كسب آزادى و از جمله آزادى زن بود. اما نه آن آزادى اى كه در غرب وجود داشت; به همين دليل كشورهاى غربى با اين هدف مقدس به مبارزه برخاستند و به گونه هاى مختلف مى كوشيدند تا آزادى خودشان را در ايران تبليغ كنند. امام خمينى(ره) درباره مقاصد شوم اين كشورها مى گويد:

(آزادى صادراتى, آزادى است كه بچه هاى ما را به فحشا مى كشاند….)11

در مقدمه قانون اساسى آمده است كه: (زنان به دليل ستم بيش ترى كه تاكنون از نظام طاغوتى متحمل شده اند, استيفاى حقوق آنان بيش تر خواهد بود….)12

اصل بيست ويكم قانون اساسى نيز مى گويد: (دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعايت موازين اسلامى تضمين نمايد.)13

اسلام مى خواهد زن به تمام حقوق مادى و معنوى خويش برسد و در عين حال در صحنه هاى مختلف سياسى, اجتماعى, فرهنگى و غيره هم نقش آفرينى كند, و به گونه اى باشد كه بتواند آزادانه به تحصيل و تعليم و تربيت و آموزش بپردازد, و موانع از سر راه رشد و تعالى او برداشته شود تا استعدادها نيروهاى نهفته خود را شكوفا و جامعه را در رسيدن به سعادت و پيش رفت كمك كند.

سيماى زن بعد از انقلاب

اين سخن پوچ و بى اساس است كه تحميل مى كنند بر جوانان كه اسلام شما را در بند مى كند, زنان را در بند مى كند, اسلام هيچ كس را در بند نمى كند, اسلام آزادى را هديه مى دهد, آزادى واقعى را نه آزادى كاذب.

آية اللّه طالقانى(قدس سره) در پاسخ سؤال برخى از خبرنگاران در مورد بيانيه امام خمينى(ره) درباره اين كه زن ها مى توانند در اداره ها با حجاب اسلامى كار كنند, فرمودند: (مسلماً نظر امام, هم به مصلحت زنان ما و خواهران ما و دختران ما است و هم مطابق موازين اصولى اسلام… زن ها يك عضو فعال اجتماع ما هستند, به خصوص زن هاى ما در چنين مرحله اى از انقلاب كه واقعاً من وقتى از زندان بيرون آمدم همه قشرها به خصوص زن هاى ما, آن طور كه به چشم من آمد, خيال مى كردم اين ها زن هاى ديگرى غير از زن هاى سه چهار سال قبل هستند, فرشته هايى پاك و پرمسئوليتى هستند كه با همين روسرى و چادرشان مشت ها را گره كردند.)14

كشورهاى غربى به ويژه آمريكا در سال هاى اخير از راه فرهنگى سعى داشته اند آزادى هاى كاذب را بر جوانان ايرانى و به ويژه بر زن هاى ما تحميل كنند و چهره اسلام را بد جلوه دهند, اما با راهنمايى هاى رهبر عزيزمان و با درايت جوانان خوب اين مرز و بوم تاكنون موفق نشده اند كارى از پيش ببرند. حال سؤال اساسى اين است كه اين همه تلاش بيگانگان براى چيست و چه هدفى را دنبال مى كنند؟ پاسخ اين سؤال روشن است و آن اين كه بيگانگان با اسلام مخالفند. از اين رو سعى مى كنند با آموزش هاى غلط و ارائه الگوهاى غربى و نامناسب, جوانان را به فساد بكشانند و از پيش رفت باز دارند و بعد بگويند اسلام آن ها را از پيش رفت بازداشته است. با كمى دقت و تيزبينى به خوبى معلوم مى شود كه پشت اين آزادى هاى دروغين و ظاهرى, نقشه هاى شومى است كه هر زن و مردى بايد با درايت و فهم كافى در برابر آن ها ايستادگى كند.

اعتقاد امام بر اين بود كه آزادى زنان آن چيزى نيست كه غربيان با تبليغات سوء و گم راه كننده نشان مى دهند. آن ها آزادى را در بى عفتى مى بينند, آزادى را در بى حجابى مى بينند, در فحشا فرو رفتن دختران و پسران مى بينند, كه اين اسارت است و آزادى نيست. اگر خود ما به تحليل بنشينيم و زن قبل از انقلاب را با زن كنونى مقايسه كنيم, به روشنى مى بينيم كه پيش رفت هاى بسيارى داشته ايم و حتى در برخى موارد مى توان گفت درصد اين پيش رفت ها چه در زمينه هاى معنوى و سياسى و چه در زمينه هاى اجتماعى و فرهنگى بسيار بالا بوده است و اين نشانه بارز وجود آزادى زن در سال هاى اخير بوده است, چرا كه پيش رفت و ترقى در سايه آزادى است و تا آزادى نباشد, استعدادها شكوفا نمى شود.

آرى, امام آن بزرگ مرد تاريخ با نظرات بلند و هدف هاى باارزششان گامى بزرگ در راه آزادى حقيقى زنان برداشتند و زن را از تباهى و فرورفتن در سياه چال هاى اسارت رهانيد و به او درس آزادى و آزادگى داد.

در پايان, مقاله خود را با سخنى از آن پير فرزانه زينت مى بخشم:

(از جوانان, دختران و پسران مى خواهم كه استقلال و ارزش هاى انسانى را ولو با تحمل زحمت و رنج, فداى تجملات و عشرت ها و بى بندوبارى ها نكنند.)15

پى نوشت ها:

1ـ رضا اصفهانى, بردگى فكرى.

2ـ فخرالدين حجازى, سه سخن, برترين هاى اسلام.

3ـ مجموعه گفتارهاى شهيد مطهرى.

4ـ همان.

5ـ وصيت نامه سياسى ـ الهى امام خمينى(ره).

6ـ مباحثى چند درباره گسترش اسلام.

7ـ صحيفه نور.

8ـ همان.

9ـ همان.

10ـ فخرالدين حجازى, همان.

11ـ صحيفه نور.

12ـ قانون اساسى جمهورى اسلامى ايران.

13ـ همان.

14ـ سيد محمود طالقانى, آيه حجاب.

15ـ وصيت نامه سياسى ـ الهى امام خمينى(ره).